

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۲۹ جون ۲۰۱۱

۸ تیر [سرطان]

سالگرد شهادت مادر انقلابی ، روح انگیز دهقانی

چریک فدائی خلق

رفیق شهید روح انگیز دهقانی

مادر انقلابی شهید روح انگیز دهقانی زنی از زمره آگاه ترین بخش خلق ؛ ثمره ای از خون پاک چریکهای فدائی خلق ؛ این انقلابی ترین فرزندان میهنمان ، و سمبلی است از پیوند توده با پیشاهنگ.

سالها قبل هنگامی که معلم انقلابی رفیق صمد بهرنگی کتاب الدوز و کلاهما ؛ اولین کتاب از کتابهای جاودانه خود را منتشر ساخت، آنرا به روح انگیز و همسر مبارزش کاظم سعادت تقدیم نمود. در آن زمان با توجه به سطح مبارزه در جامعه هنوز آن صمیمیت و صداقت انقلابی که با وجودش در آمیخته بود و می بایست در جریان حرکت مبارزاتی تاثیر خود را به جای بگذارد عیان نشده بود و هنوز آن شور مبارزاتی طوفان برانگیزش همچون آتش زیر خاکستر در درونش نهان بود. ولی صمد در وجود روح انگیز به عنوان زنی از بخش آگاه خلق چنان صداقت و پختگی را آمیخته با شهامت انقلابی می دید که شایسته تر دید کتاب خود را با یاد او منتشر سازد. ولی اگر در آنزمان با توجه به شرایط مبارزاتی جامعه رفیق صمد آرزو می کرد، مادر انقلابی روح انگیز، فرزندان مبارزی تربیت کند - با طوفانی که مبارزات خونین چریکهای فدائی خلق در جامعه بر پا کرد و تاثیر عظیمی که مبارزه مسلحانه چریکها در توده نئی شدن مبارزه در جامعه به جا گذاشت - روح انگیز خود به طوفان انقلاب پیوست و فرزندان را نیز به این طوفان سپرد. او بیدریغ همه چیز خود را نثار انقلاب رهائی بخش خلقهای ایران نمود تا از شهادت پرافتخارش و خونی که برای باروری نهال انقلاب ایران تقدیم می کند فرزندان بیشماری تربیت مبارزاتی یابند و آرزوی رفیق صمد بهرنگی در بعد هر چه وسیعتری متحقق شود.

در تاریخ ۸ تیر ماه [سرطان] ۶۰ با انتشار خبر شهادت این مادر انقلابی از رسانه های رژیم، مردم ایران اوج رذالت و ددمنشی رژیم اسلامی را دیدند و نفرت و خشمی بزرگ از این سگان زنجیری در دلهای شان به جوش آمد. شهادت انقلابی روح انگیز نه فقط دوستان او را که همواره متأثر از وقار، درایت و شهامت او بودند، شدیداً متأثر ساخت، بلکه وسیعتر از آن در خدمت رشد آگاهی سیاسی تمامی مردم ایران قرار گرفت.

مادر انقلابی روح انگیز دهقانی خواهر رفیق بهروز دهقانی و رفیق اشرف دهقانی و همسر مبارز رفیق شهید کاظم سعادت است. او در خانواده های پرورش یافته بود که شرایط فقر زندگی آمیخته با روشنگریهای مبارزاتی در درون خانواده، از یک سو او را با واقعیات تلخ جامعه طبقاتی آشنا ساخته و مشعل آگاهی را به دست وی می داد و از سوی دیگر کینه مقدس طبقاتی را در دل او بارور می ساخت. او از همان ابتداء با رنج کار آشنا شد. پس از اتمام دوره دبستان شرایط خانوادگی مجبورش کرد یک سال ترک تحصیل کند و سپس در حین تحصیل از طریق انجام کارهای دستی از قبیل ریسندگی در تأمین خرج خانواده سهیم گردید. هنوز دوره دبیرستان را تمام نکرده بود که با آگاهی های دولتی مبنی بر استخدام معلم و اعزام به دهات آذربایجان مواجه شد. و این البته برای خانواده روح انگیز و خانواده های مشابه اقبالی تلقی گردید که به آنها روی آورده بود. بنابراین قبل از اتمام دوره دبیرستان در حالیکه هنوز ۱۷ سال بیشتر نداشت راهی یکی از دورافتاده ترین روستاهای آذربایجان در منطقه ارسباران گردید. این روستا به دلیل دورافتاده بودنش چه از راه ارتباطی و چه از لحاظ زیستی مشکلات بسیاری برای وی فراهم می کرد. او اولین تجارب زندگی اجتماعی را در همین ده کسب نمود و بعدها نیز در کوران مشکلات اجتماعی از این قبیل، زنی پخته و آبدیده گردید. گویی گذران چنین دوره سخت زندگی لازم بود تا خود را برای مواجهه با بسیاری مسایل حادی که در مسیر زندگی اش گسترده شده آماده نماید.

علاوه بر این مادر انقلابی روح انگیز دهقانی در محیط انقلابی که با وجود رفقای چون بهروز دهقانی، صمد بهرنگی، کاظم سعادت و علیرضا نابدل فراهم بود، تربیت می یافت، در بین چنین رفقای با مسایل سیاسی آشنا می شد و عمق این مسایل را با توجه به شناخت ملموسش از مظلالم اجتماعی با تمام وجود خود درک می نمود.

در سال ۱۳۴۶ او با رفیق کاظم سعادت ازدواج کرد و حاصل این ازدواج ۲ فرزند پسر بود. در این دوره که جنبش خلق کم کم در سیر رشد خود به دوران طوفانی نزدیک می شد، تلاطم زندگی او نیز فرا می رسید. در سال ۴۷ با شهادت رفیق صمد بهرنگی اولین واقعه مبارزاتی از این نوع را تجربه کرد و با توجه به دوستی دیرینه صمد با خانواده مادر مبارز روح انگیز و شناختی که وی از خصوصیات انقلابی رفیق صمد داشت، شهادت او آتشی از خشم و نفرت نسبت به دشمن را در دل او بر افروخت.

شهادت رفیق صمد به همانگونه که در خدمت رشد آگاهی سیاسی نسلی از فرزندان خلق قرار گرفت در ارتقاء سطح آگاهی سیاسی او نیز مؤثر افتاد. در این زمان او این شعر را همواره تکرار میکرد، **هرگز از مرگ نهرا سیده ام هراس من باری از مردن در سرزمینی است که مزد گورکن از آزادی آدمی افزونتر باشد** و سال ۴۹ فرا رسید، سالی که مبارزه مسلحانه در ایران توسط انقلابی ترین و فداکارترین فرزندان صدیق خلق بنیان نهاده شد و از آنجا که برادر او رفیق بهروز دهقانی به عنوان یکی از بنیانگزاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رفیق کاظم سعادت همسر مبارز او از پیشگامان این مبارزه بودند خیلی زود در زندگی روح انگیز تحولاتی آشکار روی داد

در اردیبهشت [ثور] سال ۵۰ رفیق اشرف، رفیق بهروز دهقانی و یکی دیگر از برادران او (محمد دهقانی) و همچنین همسر مبارزش کاظم سعادت توسط مزدوران رژیم شاهنشاهی دستگیر شدند. در همین روزها رفیق کاظم

که فعالیت مبارزاتی اش برای دشمن شناخته نشده بود و تحت کنترل دشمن چند روزی موقتاً در خانه خود به سر می برد شبانه با خوردن قرص سیانور و بریدن رگهای دستانش در حالیکه در خون خویش غوطه ور گشته بود، با دست خود به زندگی مبارزاتی اش پایان داد و شهید گردید.

مادر انقلابی روح انگیز در شرایطی شاهد این واقعه خونبار و از دست رفتن همسر مبارزش بود که چند روز بیشتر از تولد دومین فرزند او نمیگذشت، و درست در همین روزها بود که از خبر شهادت برادر انقلابیش بهروز دهقانی در زیر شکنجه های رژیم شاه مطلع گردید. این وقایع کینه سترگی را در دل او بارور ساخت، کینه هایی که می بایست در شرایطی مناسب آتش خشمی را به دنبال آورد و در راستای خط انقلابی چریکهای فدائی خلق دشمن را در خود بسوزاند. در این زمان مسئولیت دو فرزند و مادر پیرش به عهده او قرار گرفت و او در حالیکه با متانت تمام این مسئولیت را انجام میداد سعی میکرد خود را برای انجام وظایف انقلابی بزرگتر آماده نماید

در سال ۵۲ با فرار موفقیت آمیز اشرف دهقانی از زندان رژیم شاه او را همراه مادرش دستگیر کرده و روانه سلول ساختند. او و مادر مبارزش سه ماه در زندان به سر بردند در حالیکه فرزند شیرخوارش را از او جدا ساخته و اجازه ملاقات با بستگانش را به وی نمی دادند. پس از آزادی از زندان او در عین اداره خانواده از طرق مختلف چه با کار افشاءگرانه خود در بین دوستان، آشنایانی که هر دم وسعت می گرفت، چه با کوشش در تربیت درست شاگردان خویش و چه از طریق ارتباط با خانواده زندانیان سیاسی و شرکت در برنامه های مبارزاتی آنان سعی می کرد به سهم خود در پیشبرد جنبش خلق نقش ایفا کند. در جریان رشد و گسترش جنبش ضد امپریالیستی خلق در اواخر دوران شاه، رفیق روح انگیز در کلیه تظاهراتی که در تبریز بر پا می شد فعالانه شرکت می نمود و با خشم و نفرتی بی پایان به دشمن و با شهادت انقلابی که بسیار از آن برخوردار بود، چنان پر شور و قاطع با مزدوران کثیف امپریالیسم برخورد می کرد که اطرافیان شدیداً تحت تاثیر قرار می گرفتند. یک بار مزدوری حزب الهی را که در صف تظاهر کنندگان ایجاد اغتشاش می نمود گوشمالی سختی داد. او با این مزدور گلاویز شده و چماق او (یک زنجر) را از دستش خارج ساخت و با نشان دادن آن به مردم به افشای ماهیت پلید ایندسته از به اصطلاح مبارزین آن روزی پرداخت. با وجود رفیق روح انگیز و مادر پیر و مبارزش شعله های مبارزه در صحن خانواده دهقانی همچنان فروزان بود. از این رو در شرایطی که مردم می توانستند مکتومات قلبی خویش را آشکار نمایند، فوج فوج برای قهرمانی و به پاس خون شهدای این خانواده به خانه آنها روی می آوردند و از رفیق روح انگیز و مادرش می خواستند در مجامع عمومی برای آنان از تجارب مبارزاتی و از خاطرات خود در مورد رفقای فدائی صحبت کنند و آنها نیز به خواست مردم پاسخ مثبت می دادند. پس از استقرار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مادر انقلابی روح انگیز خیلی زود به ماهیت ضد خلقی این رژیم پی برد و همچنین با درایت انقلابی اش به زودی متوجه سازشکاری اپورتونیستهای لانه کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق گردید. از اینرو هنگامی که چریکهای فدائی خلق صف خود را از آن سازشکاران جدا نموده و اعلام موجودیت کردند، به هواداری از آنان پرداخت. و با ایمان به صحت نظرات چریکهای فدائی خلق کلیه امکانات خویش را در جهت رشد سازمانی چریکها قرار داد. خانه او به خصوص برای رفقای کردستان به صورت یک پشت جبهه در آمده بود و او با صمیمیت شایسته یک مادر انقلابی با هر آنچه در توانش بود، سعی میکرد تمام انرژی خود را در جهت خدمت به جنبش به کار گیرد.

رژیم منفور جمهوری اسلامی به دنبال برنامه های ضد خلقی خود در مورد کارمندان، او را نیز به همراه هزاران آموزگار متعهد از شغل خود برکنار کرد. کسانی که در اینزمان او را از نزدیک دیدند به یاد دارند که با چه روحیه پر

نشاطی به این مسأله برخورد کرد. هیچ گونه حسابگری خرده بورژوائی در کار نبود و او صرفاً با تمسخر، منطقی را که در احکام «اخراجیون» به کار برده شده بود به همکارانش نشان می داد ولی اگر مسأله اخراج از نظر شخصی برای وی بی اهمیت بود و برای دفاع از حقوق معلمان در جریان اعتراضاتی که بدین مناسبت ترتیب می یافت فعالانه شرکت می کرد.

دیگر با شدت یابی مبارزه طبقاتی در جامعه چهره جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی هرچه بیشتر عریان شده بود و رژیم با درنده خوئی شایسته سگان زنجیری امپریالیسم یورش خود را به خلق در وسعت بی سابقه آغاز کرد. در این یورش مادر انقلابی روح انگیز دهقانی به اسارت دشمن در آمد و چندی بعد مزدوران کثیف امپریالیسم برای به اصطلاح زهر چشم گرفتن از خلق و دامن زدن هر چه بستر به فضای ترور و اختناق حاکم این مادر انقلابی و پاک باخته را، زنی که در درون مبارزات خونین چریکهای فدائی خلق پرورده شده بود، به جوخه های اعدام سپرد. گلوله های آمریکائی مزدوران جیره خوار رژیم، قلب آتشین او را با آنهمه عشق به انقلاب رهائی بخش خلق، با آنهمه شور انقلابی، قلبی که از کینه به دشمن انباشته بود، نشانه رفتند و خون پاکش را بر زمین ریختند.

صحنه اعدام این مادر انقلابی یکی از پرشورترین صحنه های مبارزاتی بود، او با بی باکی مزدوران رژیم را خطاب قرار داده و گفته بود، گمان نبرید که خون من بیهوده بر زمین می ریزد نه شما و نه اربابان امپریالیست شما هرگز از انتقام خلق و از چنگال عدالت او مصون نخواهی بود. در تمام مدت او از شعار دادن دست نمی کشید. از برخوردهای قاطع او با دشمن صحنه اعدام را شور انقلابی فراگرفته بود و رفقای که با وی اعدام شدند بر این شور می افزودند.

مزدوران رژیم وقتی از رفیق روح انگیز خواستند وصیتنامه ای بنویسد او فقط به نوشتن چند خط بسنده کرد و آن اینکه تمام امکانات مالی مرا به خواهرم اشرف بدهید تا در جهت نابودی امپریالیسم و سگ زنجیری اش رژیم جمهوری اسلامی به کار گیرد.

افتخار بر این مادر انقلابی شجاع که در آخرین لحظات زندگی خود نیز قبل از اینکه حتی به فکر دو جگر گوشه اش باشد به نابودی دشمن و پیروزی انقلاب می اندیشید

آری روح انگیز سمبل از پیوند روشنفکران انقلابی ایران (چریکهای فدائی خلق) با توده های میهمان بود. آنجا که مبارزات خونین چریکهای فدائی خلق به ثمره نشست و موجی از حمایت توده ای را بر انگیخت، روح انگیز ها تولد نوینی یافتند، به رشد و گسترش مبارزه دامن زدند و کیفیت جدیدی به آن بخشیدند. سازمان چریکهای فدائی خلق با توده ها گره خورد و سمبل این پیوند پرشکوه مادر انقلابی روح انگیز دهقانی با زندگی و شهادت پر افتخارش بر شکوه آن افزود. خون مادر انقلابی روح انگیز با خون پیشگامان فدائی در هم آمیخت، خونهایی که درخت انقلاب خلق را بارور می سازد. خونهایی که بر زمین می ریزند تا دریائی پدید آید و دشمن را با تمام کثافات جامعه طبقاتی در خود فرو برند

روح انگیز هرگز از خاطره خلق فراموش نخواهد شد و به حق شایسته آن است که به عنوان مادر انقلابی و حماسه آفرین همواره در یاد خلق زنده بماند